

خزر را چند فروختی؟

چالش عوامانه «خزر رو چند فروختی؟» نزدیک ترین نمونه از مظلومیت سیاست در زمین عوام زدگی جماعتی است که به سنت مالوف بدون کمترین شناخت از «حقوق بین المللی دریاها و قوانین مترتب بر آب های سرزمینی» یک شبه دچار عرق ملی شده و سنسورهای وطن دوستی شان آمپر چسباند!

صرف نظر از توافقات اولیه در کنوانسیون رژیم حقوقی «خزر» (!) نکته حائز اهمیت دفاع کاریکاتوری از محروسه جغرافیائی ایران توسط مدعیانی است که فاقد کمترین سواد جغرافیائی بوده و با الفبای سیاست نیز ناآشنایند.

ایشان همان جماعتی اند که برای اندکی جابجائی نقطه فارس در گزاره خلیج فارس مبتلا به رعشه و تشنج عضلانی می شوند اما همین جماعت سالها است که دریای شمالی ایران را در بی سوادى محرز و با «افتخار» بنام یکی از جنایتکارترین دشمنان تاریخی ایران انشاء و اقرار می کنند بدون آنکه بدانند خزری ها قوم یهودی تباری مستقر در سرحدات شمال غربی ایران بودند که سالها از ناحیه زیاده خواهی ها و شرارت های توسعه طلبانه شان جنگ های ایدائی متعددی را در آن منطقه به ایران تحمیل کردند.

علی رغم این عموم ایرانیان در یک مخنثی ملی دریای شمالیشان را «خزر» می نامند و طرفه آنکه بجز ایرانیان بقیه ملت های جهان دریای شمالی ایران را به درستی «کآسپین» می خوانند!

کآسپین در واقع تلفظ نام اصلی دریای شمالی ایران است که زمانی دریای «قزوین» نام داشت و قزوین در گردش زبان فرنگی ها «کَسپین» خوانده میشد و بمرور مُبدل به کآسپین شد!

سیاست که بیش از حد همگانی شود، لاجرم کمدی هم می شود!

داریوش سجادی
dariushsajjadi44@